

ادعانامه ظاهرا شامل بر عناوین و موضوعات مختلفه ولی در معنی موضوع

(۳)

واحد باشد -

ناصرمهران - دادیار دادرسی ملایر

جواب سؤال قضائی آقای طبیب زاده بازرس ۲ همدان (در شماره ۱۶ و ۱۷)
 ۱ - با توجه بقسمت اول ماده ۱۶۹ آئین دادرسی کیفری که میگوید
 (مدعی الموم درحینی که حکم منع یا جلب بحاکمه رامیدهد ... الخ) و بلافاصله
 پس از خاتمه این جمله اضافه میکند (ونیز میتواند در موقعیکه ادعانامه تنظیم
 کرده ...) و تلفیق این دو قسمت معلوم میشود که حکم قضیه مورد نظرهای
 بازرسی همدان را بهمان دو قسمت اول ماده ۱۶۹ داده شده است و بمبارت دیگر چون
 در قسمت دوم ماده نتیجتاً پس از تنظیم ادعانامه مذکور افتاده بنا بر این مفهوم
 قسمت اول قبل از صدور ادعانامه است ، بناء علیهذا در این مورد دادستان میتواند
 بتامین ماخوزه از باز پرس بطور کلی تقاضای تشدید و یا تخفیف نماید .

در قسمت دوم

البته قاضی متخلف علی الاصول در موقع طرح دعوی در محکمه انتظامی
 بنام دادن رای و یا هراقدام قانونی دیگری مداخله نخواهد کرد لیکن رسیدگی
 بتخلف اونیز مانند سایر قضات در صلاحیت همان محکمه انتظامی خواهد بود .

تصمیمات قضائی

(۹)

کسی باتهام مال غیر تحت تعقیب دادرسی شهرستان درآمده و در دادگاه جنجه
 غیاپا به شش ماه حبس تادیبی و پرداخت دو هزار ریال جزای نقدی محکوم میشود
 بر اثر واخواهی متهم همان دادگاه حکم بدوی را گسیخته و متهم را از بزه
 انتسابی تبرئه مینماید دادرسی شهرستان از حکم تبرئه متهم پژوهش خواسته و
 دادگاه استان پس از رسیدگی متهم را باستناد ماده ۲۵۷ قانون مدنی و رعایت
 ماده ۴۵ همان قانون بسه ماه حبس تادیبی و پرداخت هزار ریال جزای نقدی
 محکوم کرده است - بر اثر فرجام خواستن محکوم به شعبه ۲ دیوان کشور پس

از رسیدگی در حکم شماره ۷۷۳-۲۹۳۲۰ چنین رای داده است .
 بر حکم شعبه ۷ دادگاه استان مرکز دو ایراد وارد است اول آنکه ماده ۲۵۷ قانون مجازات عمومی ناظر به مواردیکه مال و یا ملک مشاع بین مرتکب تخریب و دیگری باشد نیست و در این مورد دادگاه متوجه بقسمت مشاع و یا مختص بودن آن نبوده است تا آنکه تطبیق عمل باماده مزبوره نفیاً و اثباتاً معلوم گردد دوم - محتویات پرونده حکایت میکند از آنکه کارگر در کار بوده و معلوم نیست که امر تخریب با فرض صحت و تطبیق با ماده نگاشته شده بیباشرت شخص متهم بوده و یا بدستود او عمله و کارگر امر تخریب را انجام داده است که بنا بر فرض اخیر متهم معاون محسوب و با در نظر گرفتن تخفیف بر او مجازات تفاوت خواهد کرد - بنا بر این حکم شعبه دادگاه استان مرکز بموجب ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری نقض و رسیدگی مجدد بشبه دیگر دادگاه استان مرکز ارجاع میشود که تمام مراتب را در نظر گرفته و با توجه بند درجات حکم دادگاه مدنی رای مقتضی را صادر نماید .

(۴)

کسی دادخواستی بخواسته هزار و صد عدد بیل آلمانی مقوم به سی هزار ریال بطرفیت یک نفر بدادگاه شهرستان تقدیم میدارد و دادگاه مزبور پس از رسیدگی خواننده را پرداخت مبلغ مزبور محکوم مینماید . پس از استواری حکم مزبور در دادگاه استان وکیل محکوم علیه دادخواستی بعنوان اعاده دادرسی بدادگاه استان میدهد دادگاه مزبور پس از رسیدگی به شرح زیر رای میدهد .

درخواست اعاده دادرسی با استناد تصدیق کمیسیون هیئت تصفیه

است که عیناً نقل میشود (گواهی میدهد که قبض انبار را برای مطالعه کالای خود بدفتر کمیسیون ارائه و تحت شماره ۲۲۳ که روی قبض بالا نوشته شده به ثبت رسیده است) قطع نظر از اینکه معلوم نیست قبضی که ارائه شده مربوط بکدام کالا و مضمون آن بچه بوده طبق شق ۷ از ماده ۵۹۹ آئین دادرسی مدنی باید ثابت شود که نوشتجانی که دلائل حقانیت در خواست کننده اعاده دادرسی است طرف مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آن شده در این مورد سندی پیوست دادخواست اعاده دادرسی نشده که گفته شود مکتوم بوده و مستند دعوی جدیداً از طرف هیئت تصفیه صادر گردیده و کتمان در موضوع آن صدق نمیکند لذا قرار رد دادخواست صادر میگردد) از این قرار محکوم علیه درخواست فرجام

کرده شعبه ۶ دیوان کشور در نتیجه رسیدگی در حکم شماره ۱۰۶۷ - ۳۲۹۷۶۶ چنين
رای داده است

قرار فرجام خواسته صحیح نیست زیرا با آنکه در تصدیق هیئت تصفیة
جزئیات قبض انبار در ضمن سؤال از هیئت تصفیة ذکر شده و هیئت مذکور در
ذیل همان سؤال پاسخ نوشته اند فرضا در نظر دادگاه مجهول بوده لازم بود
دادگاه در اطراف ارتباط آن بوضع رسیدگی کرده باشد و نیز استناد دادگاه
به شق ۷ از ماده ۵۹۱ آیین دادرسی مدنی و اینکه در این مورد سندی پیوست
نشده که گفته شده مکتوم بوده و تصدیق هیئت تصفیة که جدیداً صادر شده سند
مکتوم نبوده و جدیداً تحصیل شده صحیح نیست زیرا استناد مزبور برای اثبات
وجود قبض انبار در دست فرجا مخوانده و کتبه آن از ناحیه مشارالیه
بوده و دادگاه تصور کرده که فرجام خواه تصدیق مزبور را سند مکتوم دانسته
ولازم بود در این زمینه نیز رسیدگی نموده باشد بنا بجهت فوق الذکر قرار فرجام
خواسته نقض میشود و رسیدگی بهمان دادگاه صادر کننده قرار ارجاع میگردد

(۳)

زنی بخواسته ده هزار ریال بطرفیت کسی دادخواستی بدادگاه بخش تقدیم
داشته و مدعی شده که خوانده بسراو را زیر ماشین گرفته که در نتیجه مجنی علیه
فوت نموده و خوانده نیز در دادگاه جنحه بششماه حبس تادیبی محکوم شده و اینک
مبلغ مزبور را بعنوان خون بهای بسرم مطالبه مینمایم . دادگاه بخش خوانده را
محکوم به تادیبه مبلغ ده هزار ریال در حق خواهان مینماید و بر اثر پژوهش
خواستن محکوم علیه دادگاه شهرستان مرجع رسیدگی پژوهشی در نتیجه رسیدگی
غیابی بشرح زیر رای داده است گرچه اعتراض قابل توجهی از طرف پژوهش
خواه نشده لکن با صرف نظر از اینکه از اینک از طرف خواهان دلیلی اقامه نشده و لازم
بوده تا صلاحیت در اقامه دعوی داشته باشد چون علی الاصول اقامه دعوی خون
بها معمول نبوده و در قوانین هم پیش بینی نشده و ضمناً دلیلی بر اینکه خسارات
مالی متوجه خواهان شده باشد در پرونده مشهود نیست لذا حکم پژوهش خواسته
فسخ میشود و پژوهش خواه محکوم به بی حقی است . خواهان بدوی از این حکم
در خواست رسیدگی فرجامی کرده و اعتراض نموده که خود فرجام خوانده
اعتراضی نسبت بوراثت من و استحقاق اخذ خون بهاء نداشته و این قسمت در
دادگاه بخش محرز بوده و فعلاً هم رونوشت گواهی نامه این موضوع را تقدیم -
میدارم شعبه ۶ دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره ۲۴۵ - ۳۲۹۷۶۶ چنين

رای داده است .

حکم فرجام خواسته مخدوش است زیرا خواسته دعوی مدعی ده هزار ریال است که بعنوان خون بهای پسر مقتولش طبق خسارات وارده از باب اینکه نان آور منحصر او پسرش بوده مطالبه کرده و بنا بر این با ملاحظه قوانین جزائی مخصوصا قانون تشدید مجازات رانندگان محکوم نمودن مدعی به بیحقی به استدلال اینکه اقامه دعوی خون بهاء معمول نبوده و دلیلی بر اینکه خسارات مالی متوجه خواهان شده باشد اقامه نکرده صحیح نبوده است لذا حکم فرجام خواسته شکسته میشود

(۴)

ورسیدگی بدادگاه شهرستان ارجاع میگردد .

کسی باتهام قتل یک نفر تحت تعقیب دادسرای شهرستان قسرا ر گرفته و با تنظیم کیفر خواست بر طبق ماده ۱۷۰ قانون کیفر عمومی درخواست کیفر او از دادگاه جنائی میشود - دیوان جنائی مقدمات رسیدگی از احضار متهم برای تعیین وکیل و تشکیل جلسه مقدماتی و تعیین مترجم تهیه نموده و سپس رسیدگی بعمل آورده و در نتیجه با تطبیق عمل ارتکابی بر ماده ۱۷۰ قانون کیفر عمومی و با در نظر گرفتن سن متهم که بیش از هفتاد سال بوده با اجازه ماده ۱۹۹ ناظر بساده ۴۴ قانون مذکور او را به سه سال حبس با اعمال شافه محکوم کرده است بر اثر فرجام خواستن مشارالیه و دادستان استان شعبه دیوان کشور حکم مزبور (به علت حاضر نبودن مترجم در مراحل بازجویی) شکسته و رسیدگی را به شعبه دیگر دیوان جنائی ارجاع مینماید . دیوان جنائی اخیر پس اگر رسیدگی متهم را به یکسال و نیم حبس تادیبی محکوم کرده است دادستان استان و محکوم از این حکم درخواست رسیدگی فرجامی میکنند و هیئت عمومی دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره ۱۱۸۶-۱۷۰۵۱۷۲ بشرح زیر رای داده است . عدم دعوت مترجم در مراحل بازجویی در صورتیکه در دادگاه با حضور مترجم بعمل آمده باشد از موجبات نقض بشمار نرفته و چون بر حکم فرجام خواسته از حیث رعایت اصول و قواعد محاکمه و حکم ایراد و اشکالی بنظر نمیرسد مبرم است .

(۵)

رای شورای عالی ثبت

کسی نسبت بجزای قناتی تقاضای ثبت و مدارک تصرف و مالکیت خود را ضمیمه و اداره ثبت اسناد نیز تقاضا را قبول نموده است ولی متقاضی ثبت قبل از

انتشار اعلانات نوبتی فوت و اعلانات منتشر نگردیده و چون یکی از وزارتخانه‌ها در مورد ثبت دخالت و قنات را از تصرف ورثه متقاضی ثبت خارج کرده اداره ثبت اسناد بعنوان اینکه ورثه متقاضی متصرف نیستند از انتشار اعلانات خودداری و بتقاضای وکیل ورثه موضوع بشورایعالی ثبت ارجاع و شورای مزبور در تاریخ ۲۹/۱۰/۵۰ رای ذیل را صادر کرده است :

با ملاحظه گزارش و سایر مدارک و سوابق مربوط بموضوع چون مجوز پذیرفتن تقاضای ثبت تصرف در تاریخ تقاضای ثبت میباشد و از دلایل موجود در پرونده متقاضی ثبت درحین تقاضا متصرف بوده و خود را مالک معرفی نموده بنا براین برای ادامه عملیات ثبتی مانعی نیست و چنانچه اشخاص یا اداراتی خود را ذیحق میدانند در موقع نشر آگهی طبق مقررات اعتراض بدهند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی